

## راهکارهایی برای تقویت امانتداری در بُعد فردی و اجتماعی

حسینعلی عربی\*

### چکیده

راهکارهای تقویت امانتداری از بُعد فردی و اجتماعی کدام است؟ در اخلاق اسلامی امانتداری به عنوان یکی از فضیلت‌های اخلاقی اساسی به شمار می‌رود که شاخص و نشانه ایمان و دینداری است و کسی که امانتدار نباشد، دین ندارد. در جوامع و شرکت‌ها و سازمان و بنگاه‌های اقتصادی جهت برقراری امنیت اجتماعی و افزایش بهره‌وری و کسب سود بیشتر و غلبه بر رقبای خود در میدان رقابت، سعی می‌شود تا امانتداری در مردم و کارکنان افزایش یابد. در این تحقیق با به کارگیری روش تحلیلی - توصیفی در کنار استفاده از روش نقلی به بررسی راهکارهایی پرداخته شده است که زمینه تقویت امانتداری را در بُعد فردی و هم در بُعد اجتماعی فراهم می‌سازد. براساس یافته‌های این پژوهش، برخی از راهکارهای تقویت امانتداری عبارت‌اند از: درونی کردن امانتداری، افزایش آگاهی افراد، تقویت فطرت‌مداری در انسان‌ها، معرفی الگوهای امین، معرفی ویژگی‌های جامعه آرمانی و تشویق و تقدیر از افراد امانت‌دار که در این نوشتار سعی می‌شود تا به آنها پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: امانتداری، اخلاق، اخلاق کاربردی، اخلاق حرفه‌ای

### طرح مسئله

در کتاب‌های اخلاق پس از برشمردن فضایل و رذایل اخلاقی راهکارهایی برای آراسته شدن به فضایل و دور شدن از رذایل ارائه شده است. در این پژوهش با توجه داشتن به اهمیت تمام فضایل اخلاقی از قبیل: عفت، صداقت، فتوت، گذشت و... به فضیلت امانتداری به خاطر تأکید ویژه بر آن در روایات پرداخته شده است و البته راهکارهایی که برای امانتداری ارائه می‌شود، عمومیت داشته و شامل تمام فضایل اخلاقی می‌شود. امانتداری یکی از زیرساخت‌های بنیادین فرهنگی جهت پیشرفت شناخته می‌شود و در آموزه‌های دینی یکی از نشانه‌های اصلی ایمان است که از سطح رفتار تعاملی به عنصر بنیادین در جهان‌بینی تعالی می‌یابد و خیانت‌ورزی باعث کفر و نفاق می‌گردد، چنان که در قرآن آمده است: «مؤمنان کسانی هستند که امانتدارند و به پیمانشان وفادارند» (مؤمنون، ۷).<sup>۱</sup>

و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «فرب نماز و روزه افراد را نخورید؛ زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشند و ترک آن باعث اضطراب و وحشتشان گردد؛ بلکه آنها را به وسیله راستگویی و امانتداری امتحان کنید» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۷).<sup>۲</sup>

و در روایت بسیار قابل تأملی می‌فرماید: «فریفته رکوع و سجود طولانی افراد نشوید؛ زیرا ممکن است به آن عادت کرده باشد و ترک آن باعث اضطراب و نگرانی‌اش گردد، بلکه به راستگویی و امانتداری‌اش توجه کنید» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۰).<sup>۳</sup>

امانتداری به عنوان یک فضیلت اخلاقی جهان‌شمول از زیرساخت‌های مهم فرهنگی جهت ارتقا و پیشرفت و عدالت می‌باشد. در کنار امانتدار بودن افراد، سازمان‌ها و شرکت‌ها نیز باید امانتدار باشند و الا چگونه ممکن است سیستم یک بیمارستان یا دانشگاه خیانتکار باشد، اما از پرستاران و دانشجویان بخواهیم امانتدار باشند؟!

امروزه امانتداری نقش راهبردی در سازمان‌ها و بنگاه‌ها دارد و متخصصان مدیریت استراتژیک، امانتداری شایسته در سازمان را از پیش شرط‌های مدیریت استراتژیک خوب دانسته‌اند (قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷). از آنجا که واژه‌های اخلاق، اخلاق کاربردی، اخلاق

۱. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ».

۲. «عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَا تَعْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ».

۳. «عَنْ أَبِي طَالِبٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ أَعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ».

حرفه‌ای در مجلات مربوطه<sup>۱</sup> از جهت لغوی و اصطلاحی تعریف شده، جهت اختصار از تعریف آنها خودداری شده و پس از طرح مسئله برخی از راهکارهای تقویت امانتداری از بعد فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد.

### الف) بعد فردی

جامعه از افراد تشکیل شده است و هر اقدامی برای اصلاح جامعه از مسیر اصلاح افراد می‌گذرد، بنابراین افراد به منزله سلول‌های تشکیل دهنده پیکره اجتماع هستند و اصلاح فرد در نهایت به اصلاح جامعه می‌انجامد. تقویت فضایل اخلاقی در افراد روش‌های گوناگونی می‌طلبد و در این زمینه کتاب‌های متعددی تدوین شده است. برای تقویت امانتداری که یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است، می‌توان اقدامات ذیل را انجام داد:

#### ۱. درونی کردن امانتداری

با درونی شدن ارزش‌های اخلاقی در افراد، شرایطی فراهم می‌شود که افراد نیازی به دروغ‌گویی، شایعه‌سازی و تبهکاری ندارند و به صورت خودجوش، بر گرایش‌های فطری چون فضیلت‌جویی، حقیقت‌خواهی، کمال‌طلبی و امانتداری تأکید خواهند نمود. در شرایط گوناگون عادی و حتی بحرانی رنگ عوض نمی‌کنند و برای نیل به اغراض شخصی خویش، به رذایل اخلاقی و خیانت توسل نمی‌جویند.

در اندیشه دینی و در روایات از این حالت، به عنوان برخورداری از واعظ درونی یاد شده است که بدون آن، پیمودن راه تکامل اخلاقی مشکل خواهد بود. با درونی شدن امانتداری فرد در هر موقعیتی که باشد در راستای تقرب به درگاه ربوبی امانتداری را رعایت خواهد کرد. امام سجاد(ع) می‌فرماید: «ای فرزند آدم، تو همواره در مسیر خیر و خوبی قرار داری، تا زمانی که واعظی از درون داشته باشی و مادام که حسابرسی خویشتن از کارهای اصلی تو باشد» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۱۳۷) امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «آگاه باشید آن کس که به خویش کمک نکند تا واعظ و مانعی از درون جاننش برای او فراهم گردد، موعظه و اندرز دیگران در او اثر نخواهد داشت» (نهج البلاغه، خطبه ۸۹). درونی شدن امانتداری باعث می‌شود که اشخاص در هر موقعیتی در قبال خدا و خلاق و خلقت امانتدار باشند و از خیانت پرهیز نمایند.

۱. برای نمونه می‌توان به رساله دکترای نگارنده با عنوان: چالش‌های فردی و اجتماعی امانتداری در اخلاق اسلامی با رویکرد اخلاق کاربردی و مجله‌های پژوهشنامه اخلاق و معرفت اخلاقی مراجعه کرد.

## ۲. فطرت‌مداری

در اندیشه دینی، برخی ارزش‌ها و فضایل اخلاقی ریشه در فطرت پاک انسانی دارد که از آغاز تولد با او همراه و همزاد است. حضور فطری این ارزش‌ها، در قرآن کریم این‌گونه مطرح شده است: «فَأَلَّهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ آنگاه خداوند به نفس انسان، فجور و تقوای آن را الهام کرد» (شمس، ۸). امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید: «خداوند با فیض الهام خود، نیک و بدها را بر بشر آشکار فرموده است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۹۶). و یا می‌فرماید: «خود طیب خود می‌باشی و درد و درمان برای تو تبیین شده است، بنگر که چگونه برای خود گام برمی‌داری» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۵، ص ۲۸۳).

«فطری بودن» ارزش‌ها و فضایل اخلاقی از قبیل امانتداری در اندیشه دینی، در ادبیات روان‌شناسان «وجدان اخلاقی» نام دارد. ژان ژاک روسو می‌گوید:

به تمام ملل دنیا نظر بیندازید، تمام تاریخ‌ها را ورق بزنید، در بین تمام این کیش‌های عجیب و غریب و ظالمانه، در بین تمام این عادات و رسوم بی‌نهایت متنوع، همه‌جا همان اصول عدالت و درستی، همان قوانین اخلاقی، همان مفاهیم نیکی و بدی را خواهید یافت. بنابراین، در اعماق همه روح‌ها یک اصل فطری عدالت و تقوا یافت می‌شود که ما علی‌رغم قوانین و عادات، اعمال خود و دیگران را از روی آن قضاوت می‌نماییم و خوب و بد آن را معلوم می‌کنیم. این همان است که من وجدان می‌نامم (ژان ژاک روسو، امیل، یا، ۱۳۷۵، ص ۲۰۴).

از همین رو است که پیامبر گرامی اسلام (ص) مأموریت آسمانی خود را تتمیم و تثبیت ارزش‌های اخلاقی و نه آموزش، انتقال، القا و ایجاد آنها بر شمرده، می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به پیامبری برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را تتمیم کنم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۳۷۲). معنای «تتمیم» این است که مکارم اخلاق قبلاً وجود داشته و هدف از بعثت، تکمیل آنها بوده است. امام علی (ع) نیز هدف از بعثت انبیا را چنین بیان می‌کند: «لِيُشِيرُوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْعُقُولِ؛ پیامبران آمدند تا گنجینه‌های خرد را در ایشان شکوفا سازند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱) بر همین اساس، به منظور درونی کردن ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و به‌ویژه امانتداری، باید شرایط رشد و شکوفایی قابلیت فطری را برای متربی فراهم کرد. باید در انتقال مفاهیم، فضایل و ارزش‌های اخلاقی، اقدام به بیدار کردن فطرت خفته افراد جامعه اقدام نمود. به گونه‌ای که خود مردم واقعیت را شناخته، پابندی عملی خود را بدان نشان دهد. یکی از شاخص‌های نظام تعلیم و تربیت نبوی «فطرت‌مداری» است. فطرت‌مداری یعنی اهمیت توجه به داشته‌ها و محتویاتی که در فطرت انسان است. بسیاری از مریبان بر

این باورند که فرایند تربیت عبارت است از: فراهم‌سازی زمینه‌های اجتماعی‌سازی یا جامعه‌پذیری فراگیران. یعنی در فرایند تربیت باید به فرد کمک کرد تا ارزش‌ها، هنجارها و باید و نبایدهایی را که در جامعه عرضه شده و توسط افراد، به عنوان هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده است، بپذیرد و به آنها ملتزم شود.

در منطقی قرآن کریم، اصل فطرت‌مداری به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی انسان‌شناختی است. تربیت نبوی از نوع جامعه‌پذیری یا اجتماع‌پذیری یا اجتماعی‌سازی صرف نیست، بلکه فرایند شکوفاسازی یا هموارسازی بستر شکوفایی داشته‌های فطری است. قرآن می‌فرماید: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم، ۳۰)، این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر پایه آن آفریده است. الهی بودن فطرت، حاکی از این است که پیش از هر نوع آموزش و تربیتی، نوعی شناخت، کشش و گرایش به سمت دین، خداوند و توحید در نهاد آدمیان وجود دارد که می‌تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی می‌فرماید: «کل مولود یولد علی الفطرة؛ هر نوزادی با فطرت یا بر فطرتی الهی زاده می‌شود» (مجلسی، ج ۳، ص ۲۸۱). امام باقر(ع) در توصیف این فطرت الهی فرمود: «الْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَالِقُهُ؛ شناخت فطری انسان‌ها به اینکه خداوند آفریننده آنان است» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۸۱). امام صادق(ع) در پاسخ به پرسش زراره، یکی از یاران نزدیک خود، از مفاد آیه ۳۰ سوره روم فرمود: «فطرتهم جمیعا علی التوحید» خداوند متعال، همه انسان‌ها را بر فطرت توحید و وحدانیت‌گرایی سرشت. بنابراین، یکی از بهترین شیوه‌های نهادینه‌سازی، ارزش‌ها و اخلاق در رسانه، شیوه بیدار کردن فطرت خفته انسان‌ها، و ساختن برنامه‌هایی در جهت بیدارسازی فطرت پاک انسان‌ها و تأکید بر فطرت‌مداری است.

### ۳. بیدارسازی

نخستین گامی که پیامبران در درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و قرآنی برای مخاطبان خود برمی‌دارند، بیدارسازی و متوجه کردن مردم به آیات الهی است. در انسان‌شناسی اسلامی، کلیت آفرینش انسان و ابعاد وجودی او، اعم از بعد روانی یا جنبه‌های فیزیولوژیک، مظهر، تجلی و جلوه‌ای از حکمت و قدرت ذات باری جلّ و علا است. مخاطبان پیامبران، کسانی هستند که پیش از اینکه مخاطب مربیان و آموزشگران الهی شوند و به موهبت تربیت نبوی دست یابند، یک نوع گم‌شدگی و سردرگمی داشته‌اند. سردرگمی در یافتن راه زندگی و رشدیابی، یعنی سردرگمی در مسیر زندگی و از یاد بردن توانایی‌ها و قابلیت‌ها. پیامبران در مرحله تلاوت آیات،

مخاطبان خود را متوجه محتوا و قابلیت‌های فطرت خود می‌کنند. پس نخستین کار پیامبران در درونی‌سازی ارزش‌ها اخلاقی و دینی، تلاوت آیات خداوند است: «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ»؛ یعنی جهت‌دهی و هدایت انسان‌ها به مسیر خداوند است. چیزی که انسان‌ها را در حالت گم‌شدگی متوجه خداوند می‌سازد. پس، گام نخست در درونی‌سازی ارزش‌ها از منظر اسلام، بیدارسازی و جهت‌دهی مردم به سمت خداوند است (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۲۳).

#### ۴. پیراسته‌سازی و آراسته‌سازی

گام مهم دیگر در اخلاق اسلامی، تزکیه و پیراستن از رذایل اخلاقی است. پس از اینکه انسان از میان دو نظام ارزشی، رذایل و نبایدها را از خود پیراست، و مسیر درست را گزینش کرد، در مسیر رشد و تزکیه پیش می‌رود. ولی این رشیدیابی یا پیراستگی هنگامی است که وی، تعارض درونی خود را به نفع ارزش‌های الهی و اخلاقی حل کرده باشد. پس تزکیه و پیراسته‌سازی، پیامد طبیعی گزینش صحیح در تعارض درونی و عبور موفقیت‌آمیز از سنگلاخ نبرد گرایش‌ها است؛ زیرا مرحله تزکیه و پاکیزه‌سازی عبارت است از: تثبیت و استقرار شخصیت انسان در جهت فضایل و ارزش‌های مثبت. همچنان که قرآن می‌فرماید: «وَأَنْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا؛ و بر آنان بخوان سرگذشت کسی را که آیات خود را به او دادیم، اما او سرانجام خود را از آنها تهی کرد» (اعراف، ۱۷۵).

بنابراین، باید زمینه را برای ترویج و پذیرش فضایل اخلاقی و آموزه‌های دینی فراهم ساخت که اشخاص، پس از پیراستن از رذایل، به مرحله آراستن فضایل نائل آیند؛ مسیر و راه را به‌روشنی تشخیص داده، راه پذیرش امانتداری را در پیش گیرند.

#### ۵. تقویت عزت و کرامت نفس

یکی از راه‌های تقویت امانتداری، تأکید بر عزت نفس و کرامت انسانی است. «در اخلاق اسلامی، محور کرامت و عزت نفس است» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷). در همین زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ؛ کسی که از کرامت نفس بهره‌مند است، گرفتار شهوت‌ها نمی‌شود» (نهج‌البلاغه، قصار ۴۴۱).

بنابراین، اصل صیانت نفس و حفظ شخصیت آدمی در اخلاق، امری ذاتی و فطری است که انسان با آن زندگی می‌کند. اگر به این اصل خدشه وارد شود، باید منتظر ناهنجاری‌های رفتاری بود.

**ب) بعد اجتماعی**

افراد متأثر از جمع هستند و نمی‌توان بدون اصلاح جامعه، به اصلاح فردی اکتفا کرد. چگونه می‌توان یک پرستار را در بیمارستان به نظافت و رعایت بهداشت توصیه کرد، در حالی که فضا و وسایل و تجهیزات بیمارستان کثیف هستند؟ و یا چگونه می‌توان کارمند بانک را به پاکدستی توصیه کرد، در حالی که جو حاکم بر بانک مبتنی بر اختلاس و رشوه و خیانت است؟ پس از بیان برخی از راه‌های تقویت امانتداری در بعد فردی، به بیان راهکارهای تقویت امانتداری از بعد اجتماعی می‌پردازیم:

**۱. الگوسازی**

از جمله روش‌های مؤثر در تربیت اجتماعی انسان، روش الگویی است. روش الگویی از این جهت اهمیت دارد که موانع بزرگ را از فرا روی انسان برمی‌دارد؛ زیرا در این صورت انسان می‌فهمد وصول به هدف، همچنان که برای افراد مورد قبول او هموار شده، برای او نیز ممکن خواهد بود و او از تردید و سرگردانی نجات می‌یابد. روش الگویی از این جهت اهمیت دارد که یکی از ویژگی‌های انسان، کمال‌خواهی است. هر انسانی ذاتاً در جستجوی برترین‌ها است. از این رو، انسان برای نیل کمال هر چیزی، از جمله کمال خویش، همیشه به دنبال تعلیم و تربیت و فراگیری علم و دانش و کسب مهارت‌های فنی و عملی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۴۶-۴۸). تا خویشتن را از احساس نقص و نیاز، که همواره توجه آدمی را به خود جلب می‌کند، برهاند. این میل فطری، که در سراسر وجود انسان سایه افکنده است، به‌طور طبیعی وی را به الگوگیری فرامی‌خواند. یکی از بهترین روش‌های یادگیری و تعلیم و تربیت، روش الگویی است. این شیوه در زندگی انسان از اوان کودکی شروع شده و تا پایان عمر ادامه دارد. رفتار تقلیدگونه کودک نمونه بسیار روشنی از این ویژگی روانی بشر است (عباسی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

آنچه در این زمینه مهم است، انتخاب آگاهانه و عالمانه الگوها است. انسان باید با شناخت و آگاهی کامل، الگویی را در زندگی برگزیند که تاسی به آن الگو، موجب کمال واقعی و مایه عزت و سربلندی او در دنیا و آخرت گردد. چنین الگوی جامع و ایده‌آل را خدای متعال در قرآن به عنوان «اسوه حسنه» یاد کرده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ رسول خدا برای شما اسوه نیکویی است» (احزاب، ۳).

پس از رسول خدا (ص)، اهل بیت (ع) آن حضرت، کامل ترین الگوی های نجات بخش برای جامعه بشری هستند و اقتدای به آن بزرگواران همانند تأسی به شخص رسول الله (ص) هدایت کننده و سعادت آفرین است.

امام علی (ع)، سیره نبوی را کلیدی ترین الگوی جهت دهنده دانسته و راهیابی خود به مکارم اخلاق را رهین همراهی و همگرایی با پیامبر (ص) قلمداد نموده، می فرماید: «من هماره با پیامبر بودم به سان فرزندی که همیشه با مادر است. هر روز نشان تازه ای از اخلاق نیکو برایم آشکار می فرمودند و به من فرمان می دادند که به ایشان اقتدا نمایم» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴).

امام علی (ع) پس از برجسته سازی نقش الگویی پیامبر (ص)، بر نقش الگویی زندگی و سیره اهل بیت (ع) تأکید می ورزد. آنجا که می فرماید:

ای مردم، به اهل بیت پیامبران بنگرید. از آن سو که آنان گام برمی دارند بروید، پای در جای پای آنان بگذارید که هرگز آنان شما را از راه هدایت بیرون نمی برند و به پستی و هلاکت نمی کشانند. اگر سکوت کردند، سکوت کنید و اگر قیام کردند، همراه ایشان قیام کنید. از آنان پیشی نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می گردید (نهج البلاغه، خطبه ۹۶).

امام علی (ع) در نهج البلاغه بر این روش تأکید بسیار دارند: «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر (ص) را الگوی خود قرار دهی... پس به پیامبر (ص) پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم زندگی او الگویی است برای الگوطلبان» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ش ۱۴ و ۲۳). امام (ع) تربیت و تأدیب با عمل را بر تربیت زبانی مقدم می دارند. این همان استفاده از روش الگویی است: «آنکه خود را پیشوای مردم سازد... پیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰).

پس از حضرات معصومان (ع)، نقش الگویی عالمان دینی، ره یافتگان، والدین، مربیان و معلمان نیز بسیار مهم و درخور توجه است.

بر همین اساس، امام صادق (ع) می فرماید: «کونوا دُعاة النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعاةً بِاللِّسَانِكُمْ؛ به وسیله عمل خود، راهنما و راهبر مردم به سوی فضیلت ها شوید و تنها دعوتگر زبانی نباشید» (قمی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۷۸). و امام صادق (ع) می فرماید: «هرگاه شخص عالم به مقتضای علم خویش عمل نکند، اثر موعظه اش همچون آب باران بر روی سنگ صاف از قلب های مردم محو خواهد شد» (کلینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۴).



آموزه‌های اسلام به شدت، الگوپذیری از بیگانگان را مورد سرزنش قرار داده است. امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که در لباس، پوشاک و شکل ظاهر از دشمنان اسلام تقلید کند، مانند آنان، دشمن خدا خواهد بود».

رهبران مذهبی و بزرگان دین همواره در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا با پیروی از پیشوایان معصوم(ع)، ساده‌زیست بوده و با انتخاب شیوه صحیح و منطقی در زندگی، برای جامعه اسلامی و مردم مسلمان الگو باشند. در اینجا مناسب است به یک سند تاریخی استناد شود که در آن عده‌ای از علمای برجسته، با صلابت و قاطعیت، تصمیمات مهمی را برای الگوی مصرف جامعه اتخاذ کرده و به عموم مردم اعلام نمودند. متن سند یادشده از این قرار است:

بعد از تسبیح و تحمید؛ این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن‌الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مهما ممکن بعد ذلک تخلف نماییم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قباله‌ها و احکام شرعی، از شنبه (۱۴) به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود، اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد امضا نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم ماها با این روش متعهدیم. ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر ایرانی باشد متعهد شده‌ایم بر آن میت، ما نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلاة بر آن میت بخواهند، ما را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهما ممکن هرچه بدلی آن در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوج نماییم و منسوج غیر ایرانی را نپوشیم. و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تابعین ما نیز کذلک. و متخلف توقع احترام از ما نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: میهمانی‌ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشیره، اگر زائد بر این کسی تکلف دهد ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می‌نماییم، هرچه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی‌کنیم، و به منزل او نمی‌رویم، زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ»، «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»، «وَلَا تَلْقُوا

بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و حدیث: «لا ضرر و لا ضرار»، ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مُسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده، بعد از این هر که را فهمیدیم و افوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگریم. صورت دست خط و امضای آقایان کرام و علمای فخرام کثر الله امثالهم: ۱. ثقة الاسلام آقای حاجی آقا نورالله؛ ۲. حسین بن جعفر الفشارکی؛ ۳. حجت الاسلام آقا نجفی؛ ۴. شیخ مرتضی اژه؛ ۵. آقا میرزا محمد تقی مدرس؛ ۶. حاجی سید محمد باقر بروجردی؛ ۷. آقا میرزا علی محمد؛ ۸. حاجی میرزا محمد مهدی جویناره؛ ۹. سید ابوالقاسم دهکردی؛ ۱۰. حاجی سید ابوالقاسم زنجانی؛ ۱۱. آقا محمد جواد قزوینی؛ ۱۲. سید محمد رضا شهیر به آقا میرزای مسجد شاهی و ۱۳. حاجی آقا حسن بیدآبادی (نجفی، ۱۳۷۱، ص ۸۴ و ۸۵).

این قرارداد در تاریخ ۱۲ جمادی الاول ۱۳۲۴، یعنی ۱۰۹ سال پیش توسط سیزده تن از علمای اصفهان به امضا رسید که اساس آن را مبارزه با سلطه بیگانه و حمایت از تولید ملی و رعایت امانتداری تشکیل می‌دهد. این پیمان، بیانگر عنایت، دقت و حساسیت علما در زمان‌های مختلف به مسائل اساسی جامعه اسلامی می‌باشد.

## ۲. اعطای بینش و افزایش آگاهی مردم

در منابع دینی، به ویژه قرآن کریم، بر آگاهی، و دادن بینش درست به انسان‌ها تأکید شده است. دعوت قرآن کریم به مشاهده پدیده‌ها، تفکر در آیات آفاقی و انفسی و مطالعه احوال گذشتگان، که موجب افزایش علم و دانش است، در واقع، زمینه‌ساز تقویت ایمان افراد است. این خود دلیل روشنی بر ارتباط ایمان با علم و آگاهی است. قرآن می‌فرماید: «آنان که در علم ریشه‌دار و راسخند، به همه آیات ایمان می‌آورند» (آل عمران، ۷). بی‌تردید افزایش آگاهی و بینش، در ایجاد انگیزه در رفتار فرد مؤثر است. قرآن کریم می‌فرماید: «از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند» (فاطر، ۲۸). ترس و خشیت یکی از مایه‌های اصلی انگیزه‌های دینی و اخلاقی است: «آن کس که ترسد، به زودی عبرت گیرد» (اعلی، ۱۰). بنابراین، علم و آگاهی در ایجاد انگیزه نقش برجسته دارد.

بی‌تردید گرایش‌های انسان، مستلزم نوعی آگاهی و شعورند و آگاهی یکی از زمینه‌های نیرومند گرایش است. هر قدر آگاهی انسان نسبت به متعلق گرایش دقیق‌تر و جامع‌تر شود، زمینه تقویت گرایش در جهت مثبت و یا منفی آن، در مسیر کمال و سعادت انسان، بیشتر خواهد بود. در صورتی آثار بینش‌ها در عمل و رفتار انسان بروز و ظهور می‌کند که ایمان،

تعهد و التزام عملی به نتایج این بینش‌ها برای فرد حاصل شود. برای مثال، فردی که از پیامد خیانت نسبت به همسر و یا فرزند خویش نیک آگاه است، هرگز به راحتی امانتداری را ترک نخواهد کرد.

از آنجایی که آگاهی، دانش، معرفت و بینش، حجاب از چهره حقیقت برمی‌دارد و حقیقت، ذاتاً زیبا و مطلوب آدمی است، در نتیجه، عواطف و گرایش‌های انسان را به سوی خود جلب می‌کند و میل انسان نسبت به حقیقت، تحریک می‌شود. این تحریک، سبب ایجاد انگیزه درونی نسبت به آن خواهد بود. ضمن اینکه این تحریک عواطف، زمینه‌ساز تعهد و التزام عملی فرد نسبت به حقیقت است (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

یکی از راهکارهای اصلی نهادینه‌سازی امانتداری در جامعه، اعطای بینش و آگاهی درست از ارزش‌های اخلاقی است. اگر پیامدهای امانتداری برای مردم در قالب‌های گوناگون بیان شود و بینش و آگاهی درست در این زمینه به آنان داده شود، طبیعی است که بسیاری از افراد به لوازم علم خویش عمل نمایند و در نتیجه، پایبند به امانتداری خواهند بود.

### ۳. فراهم کردن زمینه تفکر، تدبیر و تعقل برای جامعه

اگر بینش‌ها از طریق تفکر و اندیشه فرد حاصل شوند، آنها را جوشیده از درون خود و متعلق به خویش احساس خواهد کرد. در نتیجه، میزان التزام و پایبندی به آن به مراتب، بیشتر خواهد بود. به همین دلیل، قرآن و روایات پیشوایان دینی بر تفکر، تعقل و تدبیر تأکید فراوان نموده‌اند. خداوند می‌فرماید: «و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد و از هر گونه میوه‌ای در آن جفت جفت قرار داد روز را به شب می‌پوشاند قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد» (رعد، ۳)؛ «راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه [قدرت الهی] است» (نحل، ۶۹).

ایجاد زمینه تفکر ممکن است از طریق تشویق به تفکر، ارائه موضوعات تفکربرانگیز و یا طرح سؤال صورت گیرد.

### ۴. زمان‌شناسی

یکی دیگر از راه‌های نهادینه‌سازی امانتداری در جامعه، توجه به تغییرات و مقتضیات زمانی در انتقال این مفاهیم است. وقتی فرهنگ و ادبیات یک ملت در گردونه جامعه دستخوش تحول و دگرگونی می‌شود، لازم است متولیان فرهنگی رسالت دینی خویش را براساس

مقتضیات زمان در عرضه‌ها گوناگون جامعه متناسب با سطح فهم و شعور و خواست جامعه به انجام رسانند. در همین زمینه، استاد شهید مطهری می‌گوید:

در هدایت و رهبری نسل قدیم، که سطح فکرش پایین تر بود، ما احتیاج داشتیم به یک طرز خاص بیان و تبلیغ و یک جور کتاب‌ها، که امروز آن طرز بیان و آن طرز کتاب‌ها به درد نمی‌خورد. باید و لازم است رفورم و اصلاح عمیقی در این قسمت‌ها به عمل آید، باید با منطق روز و زبان روز و افکار روز آشنا شد و از همان راه به هدایت و رهبری مردم پرداخت» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۸۵).

در آموزه‌های دینی و اخلاقی، زمان‌شناسی مورد تأکید فراوان رهبران دینی ما است. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ؛ فرزندانان را به ادب خود (آن‌گونه که خود تربیت شده‌اید) مجبور نسازید که آنان پدیده‌های زمان دیگری هستند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۱، ج ۲۰، قصار ۱۰۲).

##### ۵. تأکید بر اکتشاف در فضایل اخلاقی

برخی تصور می‌کنند که فرایند درونی‌سازی اخلاق و فضایل اخلاقی باید از طریق تداوم آموزش‌ها، یاددهی‌ها و انتقال اطلاعات بیرونی صورت گیرد. در حالی که، فرایند انتقال ارزش‌های اخلاقی و تربیتی، امری اکتسابی نیست، بلکه اکتشافی است؛ یعنی راه را باید به متربی نشان داد، فطرت او را بیدار کرد تا خود مسیر درست را انتخاب کند. بنابراین متولیان فرهنگ جامعه باید در فرایند انتقال ارزش‌ها و درونی و نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی، نه از طریق جبر، قدرت، یادگیری، یاددهی و انتقال اطلاعات، بلکه باید با بسترسازی و فراهم‌سازی شرایط، زمینه را برای کشف ارزش‌های اخلاقی از طریق اقناع و پذیرش توسط متربیان فراهم سازند به گونه‌ای که در آن بستر، خود متربیان انتخاب کنند و سعادت خویش را در درون خود کشف کنند، نه آنکه سعادت از بیرون برای آنان القاء، ارائه، ابداع و اختراع و یا تحمیل شده و در اختیار آنان گذاشته شود. این شیوه اکتشافی در انتقال فضایل و ارزش‌های اخلاقی، بادوام‌تر و اصیل‌تر از شیوه‌ای است که از طریق اکتسابی، تحمیلی و القایی به دست می‌آید.

فضیلت امانتداری باید در جامعه نهادینه و درونی شود، به گونه‌ای که مردم بدون نظارت و کنترل بیرونی و حتی به دور از تشویق‌ها و تنبیه‌ها، به صورت خودجوش و با باور درونی، در خود و در اجرای برنامه‌های گوناگون پایبندی خود را به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی نمایان سازند.

### ۶. مسئله‌مداری و ایجاد روحیه پرسشگری

برای نهادینه‌سازی فضیلت امانتداری، باید این امکان و بستر را فراهم ساخت تا افراد خود شخصاً در شکوفایی استعداد خویش سهیم باشند و باید فرصتی را برای افراد جامعه فراهم ساخت تا افراد خود به کشف و درک استدلال‌های منطقی مجهز شوند. پدران و مادران و یا معلمان از ناپایداری فضایل اخلاقی و تمرد دانش‌آموزان و فرزندان خود شکایت می‌کنند، مشکل اینجا است که کار اغلب آنان نصیحت کردن و تحمیل کردن نظرات خودشان است. روش نصیحت مستقیم و لفظی، صرفاً جنبه برونی و ظاهری دارد که هر لحظه باید منتظر فروپاشیدن آن بود. یکی از راه‌های مؤثر و پایدار در یادگیری، استفاده از سبک طرح معما و سؤال و ایجاد بحران و مخمصه و ایجاد شور کشف و شوق دستیابی به حقیقت است. قرآن کریم در واقعه داستان حضرت ابراهیم (ع) به این موضوع اشاره می‌کند و از طریق مواجهه کردن مخاطب با معما و سؤال، مردم را به پوچی باورها و عقایدشان رهنمون می‌سازد. آنجا که می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ؛ آنها به فکر فرو رفتند و به حقیقت خود بازگشتند» (انبیاء، ۶۴). خاصیت طرح سؤال و معما این است که مخاطب به فکر کردن تشویق می‌شود تا خود در بازشناسی، کشف واقعیت، تفهیم، اقناع، پذیرش منطقی خویش سهیم باشد. البته نباید منکر نقش موعظه و نصیحت و تذکر مستقیم بود. در حالی که با شیوه اکتشافی و طرح سؤال و معما، فرد با یک عامل درونی مواجه است که با آشنایی با علت رفتار خود، به اعمال درست پی می‌برد. استفاده از شیوه پرسش و طرح سؤال، وسیله‌ای مؤثر برای درگیر کردن ذهن مخاطب در فرایند کشف و ابداع پدیده‌ها است. از طریق پرسش‌های سازنده، مهارت‌های خودآموزی و خودفهمی مخاطب پرورش می‌یابد.

### ۷. معرفی جامعه آرمانی به مردم

از جمله مؤلفه‌های مهم در فرایند نهادینه‌سازی امانتداری در جامعه، مرتبط بودن نیاز درونی، با آرمان جامعه است. در باورهای شیعی جامعه آرمانی، جامعه مهدوی است که فضایل اخلاق در آن به کمال می‌رسد. برای پیدایش و تقویت رفتارهای مطلوب، ارزشی و اخلاقی، روش‌های تحمیلی و اجباری نمی‌تواند به گونه بایسته و شایسته مؤثر واقع شود. قالب‌ها و الگوهای ساختگی و فرمان دادن و تحمیل کردن و واداشتن و بازداشتن، زور و اجبار، امر و نهی بدون در نظر گرفتن میل، اراده، آگاهی و ظرفیت و نیز منزلت افراد و درنهایت، دخالت‌های مستقیم، مانع کشف حقیقت و خودیابی‌های درونی می‌شود. در همین زمینه، علامه جعفری می‌گوید:

وظیفه اساسی تعلیم و تربیت این است که از راه آگاهی صحیح از وضع روانی انسان‌های مورد تعلیم و تربیت، هر حقیقتی شایسته، که برای فراگیری یا گرویدن القا می‌شود، انسان متعلم و مورد تربیت باید آن را یکی از پدیده‌های فطرت خود احساس کند، نه اینکه چیزی از بیرون به او تحمیل کنیم (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷).

البته هدایت، نقش مهمی در انتقال مفاهیم اخلاقی دارد. ولی هدایت غیر از دخالت است. این همان چیزی است که خداوند به پیامبرش چنین گوشزد می‌کند: «فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ \* لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ؛ تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای، تو مسلط بر آنها نیستی که مجبورشان کنی» (غاشیه، ۲۱ و ۲۲). بنابراین، در فرایند نهادینه‌سازی ارزش‌ها و امانت‌داری، اگر تمایل درونی و قلبی به وجود نیاید و اگر فرد آمادگی لازم را پیدا نکند، رفتارها پایدار نخواهد بود. این موضوع در کلام امیرالمؤمنین (ع) به شکل‌های گوناگون بیان شده است و نشان‌دهنده آن است که قلب به عنوان کانون میل، رغبت و گرایش نقش مهمی در پذیرش و باور پیام‌های تربیتی دارد. آن حضرت می‌فرماید:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَ وَإِدْبَاراً فَاتُّوْهَا مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِي؛  
دل‌ها را روی آوردنی و پشت کردنی است، پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌شود (نهج البلاغه، قصار ۱۸۴).

#### ۸. تکرار و تنوع شیوه‌ها

یکی از شرایط تأثیرگذاری بر فرهنگ جامعه، ارسال مکرر پیام، با لحاظ سایر شرایط است. شواهد عملی در الگوهای یادگیری در تغییر نگرش نشان می‌دهد که برای تأثیرگذاری بیشتر یک پیام، تکرار آن، میزان اثربخشی آن را بسیار بالا می‌برد. به خاطر همین است که در آگهی‌های تبلیغاتی نیز از این روش و اصول یادگیری و تغییر نگرش در مخاطبان به‌خوبی و فراوانی استفاده می‌شود.

القای پیام امانت‌داری، وقتی از غنای لازم برخوردار و دارای محتوای قوی باشد و به وسیله استدلال‌های عقلی و منطقی نیز حمایت شود، بهتر مورد پذیرش قرار گرفته، نهادینه خواهد شد.

#### ۹. تبشیر و انذار

یکی از روش‌های تربیتی انذار و تبشیر است. این روش همواره توسط پیامبران الهی اعمال می‌شده است. چنان که از آنها در قرآن به عنوان مبشّر و منذر یاد شده است. حضرت

علی(ع) یکی از روش‌های پیامبر گرامی اسلام برای تربیت مردم را انذار و تیشیر می‌دانند: «همانا خداوند محمد(ص) را نشانه‌ای قرار داد برای قیامت و مژده‌دهنده به بهشت و ترساننده از عقوبت» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳) همچنین می‌فرمایند: «محمد(ص) امین وحی اوست و خاتم فرستادگانش، مژده‌دهنده به رحمت او و ترساننده از کیفر او» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳، ش ۱).

انذار و تیشیر (خوف و رجاء) نقش مهمی در فراهم کردن زمینه تربیت اخلاقی و دینی افراد جامعه دارد. امام علی(ع) می‌فرماید: «از خدا در آنچه اعلام خطر کرده است برحذر باشید! از خدا آن‌گونه بترسید که نیازی به عذرخواهی نداشته باشید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳). باز می‌فرمایند: «برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲). یعنی اگر آن‌گونه که خداوند امر فرموده رفتار کنید، به بهشت خواهید رسید و نعمت‌های بهشتی در انتظار شما است.

قرآن کریم درباره پیامبر اکرم(ص) فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا \* وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا؛ ای پیامبر! ما تو را فرستادیم مبشر و نویددهنده، و منذر و اعلام خطرکننده، و دعوت‌کننده به سوی خدا به اذن او، و چراغی نورانی» (احزاب، ۴۵ و ۴۶). باید تلاش شود همواره علاوه بر تشویق و تیشیر، از روش انذار نیز بهره‌گرفت تا فرهنگ امانتداری بهتر در نفوس افراد جای گرفته، درونی شوند.

#### ۱۰. تلقین و القا

اصل پذیرش یک رفتار و یا عمل و یا اندیشه، مبتنی بر تغییر نگرش فرد است. طبق این اصل، هر گاه بخواهیم تغییر و تحولی در باطن کسی پدید آوریم، باید امکان تغییر نگرش او را فراهم آوریم. به عبارت دیگر، اگر در نگرش فرد و مخاطب تحولاتی پدید آید، احساسات، افکار و تصمیم‌گیری‌های مطلوبی در درون او ایجاد خواهد شد. از روش‌هایی که ناظر به این اصل است، روش تلقین به نفس است. تلقین به صورت قولی، که از طریق به زبان آوردن قولی معین و فعلی که با آشکار ساختن عملی، تأثیر در درون فرد به وجود می‌آورد (باقری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳). هر گاه دو گونه تلقین قولی و فعلی با هم آمیزند، تأثیری دوچندان به بار می‌آورند. با تلقین، هیجانات و نگرش‌ها جذب می‌شوند. تلقین در اخلاق، می‌تواند جذب عادات خوب شخصی و رسوم جامعه را تسهیل کند و غالباً ابزار نیرومندی در تقویت وجدان است. برجسته‌سازی امانتداری از طریق القا و تلقین، نمونه بارز این به هم آمیختگی است.

### ۱۱. تشویق و تقدیر از امانتداران

برای ایجاد روحیه امانتداری باید از تمام امکانات استفاده کرد و در این راستا تشویق امانتداران گمنام و جزئی بسیار مهم است. همان‌گونه که از مدال‌آوران بازی‌های المپیک و یا مسابقات علمی تقدیر و تشویق به عمل می‌آید، باید از امانتداران تقدیر به عمل آید تا این فضیلت هرچه بیشتر نهادینه شود. برای مثال در شماره ۵۷۴۸ روزنامه همشهری به تاریخ دوشنبه نهم مرداد ماه سال ۱۳۹۱ خبری به این صورت آمده است: «یک راننده زحمتکش شرکت واحد اتوبوسرانی کیفی به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون تومان را که در اتوبوس خود پیدا کرده بود، به صاحبش بازگردانید».

وی حمید گودرزی نام دارد و در توضیح این ماجرا گفت: «روز جمعه پس از اتمام کار و حین خروج از خط متوجه شدم یکی از مسافران کیفی را در اتوبوس جا گذاشته است که پس از جستجو برای پیدا کردن شماره تماس با مقدار زیادی پول، طلا، سند مالکیت، سهام و... مواجه شدم».

این راننده اتوبوس در جواب این سؤال که آیا وسوسه نشدید این پول‌ها را برای خود نگه دارید؟ گفت: آن کیف از نظر من امانت مردم بود و اگر ارزش کیف حتی ده برابر بیشتر بود، باز هم آن را به صاحبش پس می‌دادم!!

وی متأهل، صاحب دو فرزند و مستأجر است. براساس این گزارش این راننده ۳۰ ساله که یک سال و نیم است تحت پوشش بخش خصوصی شرکت واحد اتوبوسرانی مشغول به کار است، پس از بازگرداندن کیف به صاحب اصلی اش ۵۰۰ هزار تومان مزدگانی دریافت کرد!! این نمونه‌ای از امانتداران واقعی هستند که جا دارد رسانه‌ها و به خصوص صدا و سیما امانتداری و جوانمردی آنها را به تصویر بکشد تا الگویی برای دیگران بشود.

### ۱۲. مجازات و تنبیه خیانتکاران

در کنار تشویق امانتداران باید به مجازات خیانتکاران اقدام کرد؛ چنان که خداوند دستور داده است. در این راستا همه قوا و به خصوص قوه قضاییه با تمام قدرت اقدام و دست خیانتکاران و به خصوص خائنان به بیت‌المال را قطع کند تا عبرتی برای دیگران باشد. برای مثال در اخبار روزنامه کیهان شماره ۲۰۲۷۰ به تاریخ سه‌شنبه دهم مرداد ماه سال ۱۳۹۱ آمده است: «چهار نفر از اختلاس‌کنندگان بانک‌های کشور و خائنان به بیت‌المال به اعدام محکوم شدند».



چنین اقداماتی باعث خوشحالی امانتداران و عبرت خائنان شده و روحیه امانتداری را در جامعه تقویت می‌کند.

### ۱۳. ترغیب به امانتداری در متون درسی

متون درسی به خصوص در مقطع ابتدایی تأثیرات ماندگاری را در ذهن دانش‌آموزان باقی می‌گذارد. برای مثال داستان ریزعلی فداکار در ذهن تمام بچه‌ها حک شده است و از این رو می‌توان با متن درسی قرار دادن داستان‌های امانتداری، فرهنگ آن را تقویت کرد.

### ۱۴. طرح و برنامه‌ریزی در صدا و سیما

از آنجا که صدا و سیما در رفتار و فرهنگ مردم بسیار تأثیر گذارند، می‌توان با ساخت مستندها و فیلم‌ها و مصاحبه‌ها و میزگردها، روحیه امانتداری را در جامعه تقویت کرد و با ذکر مصادیق متنوع، مردم را با وظایف خویش آشنا نمود.

### نتیجه‌گیری

امروزه اخلاق یکی از ضروری‌ترین علوم برای انسان است. علم اخلاق، درحقیقت علم زندگی و آیین زیستن، به معنای حقیقی کلمه است. علمی که ضمن بیان احکام ارزشی همه ابعاد فردی و اجتماعی زندگی آگاهانه و مختارانه ما، راه‌های اتصاف به فضایل و بهره‌مندی از خوبی‌ها و دفع و رفع رذایل و زشتی‌ها را نشان می‌دهد.

امانتداری به عنوان یکی از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاقی با چالش‌های مختلفی رو در رو است. این فضیلت جهان‌شمول و فراخ‌دامن تمام شؤون زندگی بشر را دربر می‌گیرد و اگر با چالش‌های فردی و اجتماعی درگیر شود، آنگاه خیانت و ناامنی و بی‌اعتمادی و آشفتگی و اضطراب و... نهادهای جامعه را دربر می‌گیرد و مانع رشد علمی و اقتصادی و مادی و معنوی می‌شود.

در این نوشتار به برخی از راه‌های تقویت امانتداری در دو بعد فردی و اجتماعی با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از آیات و روایات اشاره شده است. با اجرایی کردن این راهکارها تا حد زیادی امانتداری در جامعه نهادینه شده و جلوی بسیاری از چالش‌ها و آسیب‌هایی که در عدم رعایت امانتداری به وجود می‌آید؛ گرفته می‌شود.

## منابع

- قرآن، ترجمه تفسیر نمونه.
- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۹۶۱)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، [بی جا]: دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۱۶)، تحف العقول عن آل الرسول، تهران: اسوه.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۸۱)، تهذیب الاخلاق، تهران: اساطیر.
- ابن منظور (۱۴۰۵)، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
- جفی، موسی (۱۳۷۱)، حکم نافذ آقا نجفی، عرفان مرجعیت و سیاست، قم: دفتر نشر اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، مراحل اخلاق در قرآن، قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، سیری در تربیت اسلامی، چ ۱۴، تهران: دریا.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین (۱۴۱۷)، المفردات فی غریب الفاظ القرآن، قم: ذوی القربی.
- ژان ژاک روسو (۱۳۷۵)، آموزش و پرورش، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، تهران: [بی نا].
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۵)، آسیب شناسی اجتماعی، چ ۱۶، تهران: آوای نور.
- سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۷)، جامعه شناسی کجروی، چ ۴، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شمس الدین، سید مهدی (۱۳۷۴)، اخلاق اسلامی در برخورد های اجتماعی، چ ۲، قم: شفیق.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۹۳)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، تهران: مکتبه الصدوق.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر همدانی، قم: دفتر نشر اسلامی.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۲)، اخلاق حرفه ای، تهران: [بی نا].
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، موانع رشد اخلاق حرفه ای در سازمان، تهران: مؤسسه فرهنگی - دین پژوهی بشری.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۱۱)، تفسیر القمی، بیروت: دارالسرور.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۲)، اصول کافی، تصحیح باقر بهبودی و علی‌اکبر غفاری، تهران: المکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲)، بحارالانوار، ۱۱۰ جلدی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸)، اصلاح الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.

مصباح، مجتبی (بی‌تا)، ارزش اخلاقی از دیدگاه استاد مصباح، [بی‌جا: بی‌نا].

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، نگارش محمدحسین اسکندری، چ ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مطهری، مرتضی (بی‌تا)، سیری در نهج‌البلاغه، قم: صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۸)، سیری در سیره نبوی، چ ۶، تهران: صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۵)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، فطرت، تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۳)، جامع السعادات، تصحیح و تعلیق محمد کلانتر، قم: اسماعیلیان.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل‌البيت.